

## ده سال پیکار خلق عمان

بخش خود مای وجود آمد با آگاهی خود های متمدد و خلق بیشتر شد کرد روز بروز این اندیشه بیشتر شد و متوجه گرفت که بیکنی را که آنها کنار نموده اند ، جنگی عادلانه است .

در این ده سال نیروهای خلق هر روز صبره جدید یی بر سر شمشیر وارد نمودند و موفق شدند بخشهای بزرگی از کشور آزاد نمایند .

آزادی بخش جنوبی عمان یعنی ظفار و جزیره زنجبار و جزیره سوت نشاند ه عمان بود که با یکا مصلحتی در زمانه گذشته سلطان بوجود آورد .

باید ایش حکومت مکرانیکه در زمان جنوبی در سال ۱۹۲۷ پشیمان محکی در مبارزه خلق عمان بدید آمد . به جهت نیستگی امیرالاسم و ارتجاع متعلقه بخصوص رژیم شاه این پشیمان نهیت ظفار را مورد حمله و هجوم قرار میدهند .

از عمان آغاز جنبش امیرالاسمها بتکلیف افتادند که آنرا سرگرو کنند تا بتوانند منطقه نفوذ خود را در عمان و ضلع خود را در خلیج همچنان حفظ نمایند .

امیرالاسم انگلستان در ۲۳ ژوئن ۱۹۷۰ با کودتای ظاهر فریبان ریاری خلاصه وقت خود سلطان تیمور را برانداخت و خلاصه دیگر حشی فرزند سلطان تیمور سلطان قابوس را که در رسد مخصوص نظامی انگلستان ترسیده بود روی کار آورد . دست تحکیم نفوذ خود از طریق ایجاد اتحاد شیخ نشین ها کرد .

قابوس مانند پدر خود تمام شرفهای طبیعی و منابع زیرزمینی عمان را در اختیار قبایل امیرالاسمها نهاد ، با استثمار و ظلم بینظیر نسبت به توده های مردم ارائه داد . در اوائل سال ۱۹۷۰

قریب هشتصد مبارز انقلابی را بفرزند آن ششگانه ها کشید ایشان در هانفرانزد انبان تحت شکنجه و زجر قرار گرفتند . قابوس خائن در سینه وحشیانه ترین تروریست ها کسب پایسی در عمان زد با ست .

ارتش او با از اجیران پاکستانی ، اردنی و بلوچ تشکیل میشود و نوشته تا میزانی به ۱۰ هزار نفر را لیگ کرد همراه با ارتش شاه نیرویی هوایی انگلستان و کک آمریکایی مشغول کشتار مبارزین خلق و توده های مردم بودند ام مناطق آزاد شده است .

با وجود این چنین تروریست ها که موج مبارزه خلقی همچنان ادامه دارد ، بخش خلقی در مقابل ترسها استعمار و استثمار هر روز جنبش ترور را سختتر میشود . در مناطق آزاد شده ، خلق بر سر نوشت خود حاکم است . تحت رهبری جبهه خود مای برای آزادی عمان مردم به

ساختن اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی و بهداشتی و اصلاح شرایط زندگی توده های مردم و بهبودی است . مد ارس و مبارز ستانهائی ساخته نموده اند . کما اوزی در حال توسعه و تکامل است

تحت رهبری جبهه خود مای برای آزادی عمان زمین بیند هفانان تقسیم میکردند و توده های د هفانان از کله بید ریخ برخوردار میشوند

در مبارزه با بیسواد ی بیند هفانان موفقیت بسیار شایانی بدست آمده است . زنان از حقوق مساوی برخوردارند ، با تشویق زنان به شرکت در مبارزه و آموزش فرهنگی و سیاسی ، همراه با بزرگی بر قیود عقب ماندگی وارد آمده است . بطور خلاصه در مناطق آزاد شده بهبودی توده های مردم و جبهه خود مای برای آزادی عمان استحقاق یافته

و راههای ساختمان نوین جامعه ای ریزی شده است .

موفقیت های بزرگ خلقی در ظفار باغلا مبارزه در سرانجام و ضعف و زبونی نیروهای پویشالی عمان ، امیرالاسمها و انگلیس و آمریکایی را بران داشت که در اجرای کمترین نیکسون ارتش را بد آن مسلح ایران را بجا بیارین هائی ببندد ازند .

در ۲۰ ماه سپتامبر ۱۹۷۳ در سال پسرین قرار داد بین قابوس و شاهنشاهی پراچا را برود نیروی ارتش شاه عمان ، ارتش شاه چند هزار سرباز و سواحل ظفار را بد کرد .

ارتش شاه که بخاطر حفظ منافع اربابان خود و تا بین جزیران نفت و حیات سیاسی و نظامی بعنوان گزاند ارباب منطقه وارد کارزار شد

پشیمه اربابان امیرالاسم تحت نام مسلح "حفظ امنیت و آرامش" - آنچنان مسلح و امنیتی گفرو چنفورد را بران برقرار ساختند استیاب

و قاع از مسلح آنچنان که آسیر با وحشیانه ترین و جنایتکارانه ترین متد قادر بر تمام نبال کرد ، دست به کشتار زنان و کودکان و قتل عام مردم ، سوزاندن مزارع و آبادیها با استفاده از بمبهای آتشزا با زمین بردن چشمه ها و گانا لهای آبی و غیره . نیروهای نظامی خود را

در عمان به هیچ وجه هزار سرباز افزایش داد .

ایا آنچنانکه بترتادند ان مسلح و عیولای ابره درت آمریکایی در مقابل خلقهای هند و چین برانود آمد و چون بهر کافندی در هم شکسته رژیم شاه این نوگرو زخرد آمریکایی خود از عمان شکست و تنگ و تنگتر بار عمان خواهد آورد .

جنگی که شاه در عمان برانداختند است جنگی استغریه لانه شاه میخواهد خلق عمان را که برای برانداختن نظام کهنه برود در ارتش نفوذ الی و کسب آزادی و بر خاستگی ببیند

ده سال پیش در ۹ ژوئن ۱۹۶۰ خلق ظفار را دست بردن با سلحه و آغاز جنگ توده های علیه یکی از عقب افتاد ترین سیستم های اجتماعی جهان رژیم سلطان تیمور و اربابان خارجی و خوی مرگ در دل ارتجاع منطقه و امیرالاسم انداخت و نبود بخش خود مای بر روی کرد بد

در این ده سال خلق عمان در لیرا نوبت از ری راسخ جنگ مسلحانه خود مای را علیه ارتجاع داخلی ، رژیم شاه و امیرالاسمهای انگلیسی و آمریکایی در امداد . طی این مبارزه بود که نیروهای آزادی

## گوشه هائی از وابستگی اقتصادی ایران

رژیم شاه از صنایع ایران زیاد صحبت میکند که گویا باید بازارهای خارجی را به دست آورد و با آنچه که صنایع ایران نامیده میشود چیزی جز شعب صنایع کشورهای امیرالاسمی در ایران نیست . البته آنهم بصورت موقت و بقسمی که کلید آنها در دست شرکتهای خارجی باقی بماند .

کشور ایران سرمایه گاتی برای ایجاد صنایع جدید اقتصاد در تمام زمینه ها را اختیار کرده ولی رژیم شاه به بهانه آموختن تکنیک و بد بختی در صنعت شرکتهای خارجی را به سرمایه گاتی در ایران فراموش کرده و برای تشویق آنها به سرمایه گاتی در تمام امتیازات ممکن را برای آنها فراهم میآورد . این مطلب را نصیحتات ایرانی و مغایرتها بین آنها میدارند . لایحه انتقال فاشیست سرمایه گاتی در ایران صریحا اعتراف میکند که قدرت و امکانات ایران در وجود آوردن محیط مساعد برای سرمایه گاتی در این کشور بسیار ضعیف است و صنعتها از نفت بسیار مواد اولیه - صاحبان صنایع آلمان بالاخره دریافتند که بهر تراست محل تولید است خود را از آلمان خارج و به کشورهای دیگر باقی بماند ( یعنی ایران ) منتقل نمایند .

با افزایش قیمت سوخت و انتقال محل تولید اصحابان صنایع اهمیت بیشتری پیدا کرد . در ایران سوخت ارزان است ، برقی هم برای ناچیزی در اختیار سرمایه گاتی ایران خارجی گذاشته میشود . در استخراج گاز و در سطح بسیار زیادی قرار دارد ، آنها از حمایت کمترین برخوردارند ، برای فروش گازهای آنها در ایران ، بعنوان حمایت از محصولات داخلی "عاجنا سرور" اتی مشا به ایالت های سنگینی بستند و چون آنها در موقعیت انحصاری قرار میگیرند اجناس خود را با قیمت های بسیار گزافی میفروشند ؛ تمام بخش دولتی اقتصاد ، نفت ، برق ، مواد اولیه ، آب و حمل و نقل در خدمت آنها است خلاصه آنکه هر چه در دست خود دارند و در صنایع خارجی سود های افسانه ای به جیب میبرند و ظرف مدت کوتاهی سرمایه های خود را مستهلک میسازند . ۴۰٪ باقی مانده سود خالص کسب از آنها به دست میآورد و چاره راست ؟ ۵۰ درصد ، صریح میگردد ، ۵۰ درصد ، این اعتراف نمائید و فرانسوی تولید محصولات استیل را در ایران است . همکار انگلیسی و بریتانیایی ؛ سود من در اینجا ، ۵۰ درصد از سودی که در انگلستان میبرید بیشتر است . ( لویوند در پیماناتیک ، ۱۹۷۰ ) ، براساسی ایران به پشت سرمایه گاتی در ایران خارجی است

سود های حاصل نیز بصورت ارز از ایران خارج میگردد و معمولاً صرف سرمایه گاتی در کشورهای خارجی میشود . سرمایه های خارجی طی اصول با سرمایه های بزرگ داخلی و گزین اعتبارات کلان از بانکها تولید را سازمان میدهند و ظرف مدت کوتاهی شرکت های کلانی می آید و زنده است با چنین اعتباراتی سرمایه های خارجی بسیاری در ایران سرمایه گذاری میکنند . متأسفانه ما در واقعیت برای آنکه بتواند در قضا اظهار نظر کرد ولی بجز متون گفتگو در محصول صنعتی است که تولید آن به دست سرمایه های خارجی صورت نگرفت ؛ تولید ، کابین ، مواد پلاستیک ، لایه برای پوششائی ، لاستیک اتومبیل ، محصولات در ارتش ، کود شیمیائی ، کفش ، تیر کوه ، کبریت ، سیگار ، پنچال ، راد نیو ، تلویزیون ، تلفن مواد خام معدنی ، شیشه ، کواکولا و ...

موسسات تولید صنعتی هم صنایع موقتاً اند . قطعات ساخته ، نیم ساخته مواد اولیه آنها از خارج وارد میشود و در آنجا مراحل نهائی خود را می پیماید ، بصورت محصول در میآید . کرد ترین صنایع بدین ترتیب وابسته به ورود کالا های واسطه است و چون صنایع شرکتهای خارجی از تبدیل این کالا ها خود در آری روزند یا وضعی پیش آید که تحویل این کالا ها ممکن نگردد ، موسسات تولیدی و ناگزیر باید تولید خود را کاهش دهند یا بکنی آنرا برای مدتی تعطیل کنند . این وابستگی صنایع ایران به امیرالاسم از زمان تو در کشور های صنعتی بخوبی چشم پوشید

برخی از کارخانجات تهران هم اکنون زیر نظر طرفیت و تارند ان و کارگران آنها نیز هفتگی پنج روز و آنهم روزی چهار الی پنج ساعت کار میکنند ( ۰۰۰ ) تهیه مواد اولیه به ری مشنگ شد با ست که نمیتوانیم بهر کار کارخانه اتا مین گفم

در نتیجه تقابل طرفیت کارخانه ، کارمندان و کارگران با وضع دشواری برپا هستند .

بطور متوسط میتوان اظهار عقیده کرد که صنایع کشور ما ( ؟ ) - و ان بسیار بد و زار میگردد و در آن مختلف و متفاوت است . قسمتی از طبل مذکور بصورت بگرائی قیمت های بین المللی است که در اختیار ما خارج است . قسمت دیگر معلول کمبود مواد اولیه در بازارهای مذکور میباشد . ( تهران اکونومیست شماره ۱۰۴۷ ، مورخ ۱۵ تیر ۱۳۵۳ )

حتی بدین مای نظیر اعتبارات کارگری و کشورهای صنعتی بر روی صنایع کشور ما تا شریک کرد . در کارخانجات اتومبیل سازی ایران - ناسیونال که قریب ۷۰ درصد اتومبیل های سواری مصرفی کشور تولید میکنند در سال گذشته هم در سال جاری با مشکلات فراوانی روبرو بود . این مشکلات متأسفانه در رجه اول معلول اعتبارات انگلستان بود که با نتیجه کمپانی فروشند ه ( یعنی هیلمن ) نمیتوانست بصورت قطعات اتومبیل مذکور را تحویل دهد . ( همان مجله شماره ۱۰۴۶ ، مورخ ۸ تیر ۱۳۵۳ )

صنایع کبوسیله ... در کارگران کارخانه اتومبیل سازی کرایسلر انگلستان آغاز شد با ست ممکن است قرار داد مربوطه بعد در قطعات دیگر این نوع اتومبیل را برای ۱۶۰۰۰ اتومبیل ایران ( بیگان و هیلمن اوجر ) بخطر اندازد ( ۰۰۰ )

در قرارداد صنعتی ها ایران در وقت های منفعله برای ۱۵۰۰۰ اتومبیل " هیلمن - هانتز " و ۱۰۰۰۰ " اوجر " پیش بینی کرد بد .

است . ( گهمان ۲۲ / ۲ / ۵۴ )

## مستشاران آمریکائی - پاسداران رژیم شاه

و انقلاب شاهانه نمیتواند تاثیر در توده های مردم با باقی گذاشتند بنا بر این رگانها هر یک برای مایاتی میماند توسل به قهر و ترور است . ترور چیست ؟ ترور شیوه تولید ارهاب و وحشت است . بنظر نیل به پارهای هدفهای سیاسی مستقیم عقوبت و شکنجه و کشتار است بخاطر حفظ قدرت سیاسی . این شیوه در کشورهای نامتعالی میشود که در آنها ارتجاع سپاه قدرت سیاسی را در دست دارد و آنرا بصورتی حفظ خود و حاکمیت بیگانها را میسر میکند ، در کشورهای کمتری و انقلابی آنچنان قدرتمندند که موجودیت سیاسی ارتجاع را هر لحظه در مخاطره می افکنند .

چونکس میتواند ادعا کند که ترور و ترور شیوه عاد ی و روزمره شاهنشاهیست . رژیم شاه بدین اعمال شیوه ترور نمیتواند بحیات خود ادامه دهد . رژیم هر روز

کشته شدن دو تن از افسران آمریکائی در تهران ، دو تن از هزاران مستشار نظامی و غیر نظامی آمریکائی که بریاست رئیس سابق سازمان سیا ، هلمز بر سر نهائی خنثی زندگی اقتصادی سیاسی ، نظامی و فرهنگی فرمانروائی دارند ، دستگا تبلیغاتی شاهان مکس را بران داشت که بطور ترور و سفیراد و فغان برانند از آنرا محکوم کرد و بر مرک و واقعه آمریکائی ند بعزای سوز هد . انسان و کسبی دستگا تبلیغاتی شاهان مکس را میشنود که ترور سراسر محکوم میکند ، در هانتز از جمع باز میماند . رژیم شاهنشویه ترور اکنون مگانوسیله حفظ قدرت سیاسی و سلطنت در زمان پهلوی تشخیص میدهد با ست و بای پروائی شکستی آزاد نبال میکند . میگویند که گمانه برای آنکه در گذشته ها اقد اما شنوا استعماری خود شاید هنوز میتوانست در کار فریبکاری موفقیتها بدست آورد اما اکنون مالها ست که تبلیغات

## پیروز باد جبهه توده های برای آزادی عمان !





تحریر تاریخ

داغ تنگ را از چهره شاه همیز داید

سرمد اران رژیم در این امید میسوزند که حزب رستاخیز جانی بگیرد و سرنوشته بهتراز میسوزد و حزبی پیدا کند. آنها می پندارند که حالا علاوه بر جماعتی که از زمان انقلاب رستم و کرم فرود میاید تا همراهد نبال "فصل اول" که در حد "مشکلات" و انضباط حزبی میزافزای در دست آنها خواهد بود تا "وحدت ملی" را تامین کنند. آنها می پندارند که با عنوان کردن "وحدت ملی" که گویا مظهر آن حزب رستاخیز است خواهد توانست بر واقعیت طبقاتی جامعه ما، آنها را قهری آنچنان چشمگیر و روشن کند. از آنجا که آنها می پندارند با عنوان کردن "وحدت ملی" که گویا مظهر آن حزب رستاخیز است خواهد توانست بر واقعیت طبقاتی جامعه ما، آنها را قهری بیشتر با استثمار سرمایه های بزرگ و اخلی و خرافی تن بزدند. هر چه بیشتر کار کنند و "مخوب کار کنند".

میسوزد و حزبی را به میسوزد حزب واحد بدل کردن و انقلاب اساسی "بظلمت پناه می" و "انقلاب شاهانه را به زیر پرده" دردی از رژیم را در نخواهد کرد. روزنامه "کیهان" می نویسد: "ایران محکوم به بزرگی و پیشرفت است". آری، اما این پیشرفت از روی نعره "نظام شاهنشاهی" میگذرد. آنچه در حال حاضر حکومت است رژیم استبداد و سرسپردگی شاه است. محکومیت او در ماهیت شاهان رستاخیز است. در ماهیت نظام شاهنشاهی، در ماهیت انقلابات شاهانه است. پیشرفت ایران فقط زمانی آغاز می شود که شاهان و والایان خود بخوار و کسانیشان را بر گردن خلعهای ایران نشانند مانند ازای و راند. روزنامه "کیهان" بر آنست که حزب رستاخیز "مهره رستاخیز" است. ایران استه رستاخیزی که در بزمانی است در زمره واقعات است. رستاخیزی که تا کنون مراحل مختلفی را پشت سر گذارده است. در ماهیت رستاخیزی که تا کنون مراحل مختلفی را پشت سر گذارده است. در ماهیت رستاخیزی که تا کنون مراحل مختلفی را پشت سر گذارده است. در ماهیت رستاخیزی که تا کنون مراحل مختلفی را پشت سر گذارده است.

این روزها از زمانیکه انقلاب مشروطیت تلاشی بود برای رستاخیز ملت ایران نتیجه گیری کرد که قانون اساسی محصول این رستاخیز است. همین علت یکی از حاصل تغییر ناپذیر و برخیز است. انقلاب مشروطیت برای آن صورت گرفت که خلق را از استبداد سلطنتی باز سلطنتی ببرد و عساریه نیرومند روس و انگلیس را ببرد. اما خلق که انقلاب کرد از اثرات انقلاب برخوردار نگردید. نیروهای استبداد از تجانی و استعماری که به قدرت رسیدند قانون اساسی برده اختقد بر قانون اساسی بخوابستهای خلق ایران و خلقی نگارند تا آنها را بصورت مسخ شد و در آورند. این قانون اساسی برای مردم آزاد و بیاد و بدی استبداد آزاد و آزادی که به نفع خلق میاید و در هر دو طرف و نیروی آن بیفزاید، استقلال بدست نیاید. این قانون اساسی همان آغاز رانطباق با نفع استبداد است. رستاخیز مردم را به بندگی کشید. حالا در پیونانی بنام محمد رضا شاه از آنکه شد هفتاد سال، پس از تغییرات عظیمی که در دست خلعهای رستاخیزها ن بر روی پیوسته میسوزد و میسوزد. قانون اساسی را بعنوان اصل اساسی آنها تغییر ناپذیر و غیر خلعهای ایران بقولاً در روزنامه "مزد" روزنیز بر این و پیونانی باین عنوان که قانون اساسی محصول گشایشی بسوی رستاخیز خیز بوده است صحت میگذارد.

اما همین قانون اساسی که در زمان خود با خواسته های مردم نمیخواند و امروز بطریق اولی نمیخواند آنچنان بادست و دود ما به بلوی مسخ و شلشد که از آن شخصی و لاشعاری برجای نماند. ماست؛ هیچیک از مواد قانون اساسی نیست که مورد دستبرد این تبهکاران قرار نگرفته باشد. همین لاشه است که میخواهند آنرا محصول سناخیز مشروطیت ایران بنمایانند. بنا بر روزنامه "مزد" و نظر محرم رضاخان میاید که گویا بیکر برای رستاخیز خلق بود. درست توجه کنید، رضاخان که با دستهای لیسپانگستان به منظور جلوگیری از قیام خلق ایران تحصیل شد رستاخیز و خلقهای ایران را که در حزب کمونیست ایران، در نهضت جنگل و جمعیتی شوروی کیلان، در نهضت خیابانی و در قیام میان تجنم یافته بود سرکوب کرد، بیست سال تمام آزادی و استقلال را از مردم ایران بود نمایند. رستاخیز خلقی که در میشود. از آنهم بدتره کودتای ۲۸ مرد از نیز مرحله ای از روند طولانی رستاخیز ملت ایران بشمار میاید که گویا بادست

« ادغام اقتصادی » یک شیوه نو استعماری

روزوازی نو خاسته شوروی برای حفظ سلطه خود بر کشورهای روس و بیستی شرقی بر نامه ۳۰۴ (انتگراسیون) اقتصادی را به پیش کشید. بر نامه ای به شرح که میاید همگسورهای عضو سازمان شوروی تعاون اقتصادی را در یک واحد اقتصادی گرد آورند تا آنها را بیکر وابسته همرا بخود وابسته سازد. بواسطه خود در همزمنهای مواد خام و اولیه تکنیک با نوری تجار و توفیر. ۳۰۴ غامد اقتصادی پایه های وابستگی همگسورهای اتحاد شوروی با بیاضی حاکمیت اقتصاد محدود آنها است. در واقع، سازمان شوروی تعاون اقتصادی اتحاد شوروی تسلط ارد و با توسل بطرق مختلف بر شد اقتصادی کشورهای عضو این سازمان آنچستی را میاید حد آن شعب تولیدی را تولید آن کالا ها نیز تحویل میکند که خود خواهان آنست. ماد مقاله که در شت توضیح در ادیم کشور و چگونه از طریق این کشورها را از استقلال خود در میاورد. در اینجا بیکر و نمونه کفر و شکنجه شیوه سل روزوازی شوروی است اشاره میکنیم.

مجارستان در آرای معادن آلومینیوم (بوکسیت) بسیار غنی است اما بنا بر مقررات شوروی تعاون اقتصادی حقوق داشتن کارخانه آلومینیوم که از این معادن استخراج میاید را از صنایع آلومینیوم مجارستان فلز مورد نیاز خود را از این طریق بدست میاورد که سنگ معدن (بوکسیت) را استخراج میکند و سپس آنرا برای تبدیل به بیشتر آلومینیوم به هزاران کیلومتر دورتر خود به اتحاد شوروی میفرستد. در آنجا در کارخانه فلزگ از این فلز سنگ معدن بیشتر آلومینیوم تبدیل میگردد و در نهایت در کارخانه فلزگ و اطلو لاتی به مجارستان باز میگردد تا نیازهای صنایع آلومینیوم شوروی را بر طرف نماید و مجارستان مجبور است هر چند تبدیل سنگ معدن بیشتر را ببرد از. در مقاله که شت میگذریم که اتحاد شوروی با بر دست داشتن مواد خام مواد اولیه (نفت گاز فلزات عمیق ذغال و غیره) تجاری حیاتی این کشورها را در دست خود گرفت است. در اینجا ما در خام متعلق به مجارستان است. معدن لکه رسایه تصمیات شوروی تعاون اقتصادی وضع طوری گشته است که اتحاد شوروی برای تولید شتر آلومینیوم تخصص یافته اند. با از هم مجارستان برای صنایع آلومینیوم خود وابسته شوروی است. برای من نیز وضع همین عنوان است. میگذرد در روزگار خانه و در سبب این بهستان با سنگ آهن شوروی کار یکی از بزرگترین مجتمع های کربن با برقی شوروی بحرکت در ریاید. صنایع بلغارستان بر اساس مواد اولیه شوروی میچرخد. مجتمع عظیم شیعیالی جمهوری مکرانیک آلمان با نفت و گاز شوروی کار میکند. شوروی برای تبدیل یافتن به فهای با سارتمان خود بیکر شت سازمانهای کونگون بین المللی مافوق ملی ایجاد کرد ما ستانند سازمان بین المللی برای همکاری در زمینه فلزگ از ۳ سازمان انرژی صلح ۳ سازمان همکاری بین المللی در زمینه حمل و نقل ۳ مرکز بین المللی برای اطلاعات علمی و فنی نگار آنها بعنوان "اهرم جهانی برای کنترل شاخه های اساسی اقتصاد مانند انرژی برق فلزگ از حمل و نقل استوار میکند. بانک بین المللی همکاری اقتصادی و بانک بین المللی سرمایه گذاری در زمره این سازمانها است. ما فزارهائی است در دست شوروی برای استثمار خلقهای

کشورهای روس و بیستی. سرمایه بانک بین المللی سرمایه گذاری میاید در رول است که چهار صد میلیون رول یعنی ۴۰ درصد از سرمایه آن متعلق به شوروی است. روشن است که اتحاد شوروی در سرمایه شوروی میتواند و حق دارد سرمایه گذاری در کشورهای تحت نظارت خود را آورد. در واقع هم هرگز سرمایه گذاری در کشورهای تحت نظارت شوروی است که برای آن شعبی یا تولید آن کالا هائی با آن اعتبار و موا میگذرد رانطباق با تقسیم بین المللی کار یعنی در انطباق با مطامع آرزنده انفعالات تکرانه وی است. بیشتر اعتبارات این بانک برای رشد نیروهای مولد در خود اتحاد شوروی است. این بانک طی ۳ سال اول مجزو خود ۶۰۰ میلیون رول اعتبار در دستکند و سوم آن با اتحاد شوروی است و تقریباً ۷۰ درصد بمانند بانک بین المللی ملکان ما را به کشورهای دیگر واگذارد است.

۳۰۴ غامد اقتصادی با اتحاد شوروی امکان میدهد که کار صنایع طبیعی و انسانی کشورهای روس و بیستی اروپای شرقی برای رشد نیروهای مولد در شوروی استفاده کند. کشورهای شوروی برای گردن اقتصاد خود به مواد اولیه میاورد. اتحاد شوروی نیازمندند و نیاز آنها سال بسال افزایش میاید. برای تامین نیاز این مواد شوروی از این کشورها برای تحویل میدهد. اتحاد شوروی برای استخراج آنها و همچنین برای سایر کارخانه های دیگری که محصولات آنها مورد نیاز کشورهای شوروی است سرمایه گذاری میکند. روزنامه "مزد" از کار روس و بیستی های آلمان مکر در شماره ۲۱ / ۳ / ۵۰ بخود این فارتعنا معاد و انسانی کشورهای روس و بیستی را توسط اتحاد شوروی با یکدیگر میسوزد. از آنجائی که استخراج مواد خام شعبی میاید که آن مواد را برای تولید مواد و مالی پس از مدت طولانی شتر خواهد در دست شعبی یکدیگر برای تولید سرمایه گذاری در کشورهای تحت سلطنتی است. از آنجائی که استخراج مواد خام از فواصل دور است و از اعماق زمین باید در نبال شود ما نیست که کشور سازمان شوروی تعاون اقتصادی را از انجمله جمهوری مکرانیک آلمان را استخراج میاید بد در سر بر سر شرکت میسوزند. این شرکت ضمانت اضافی برای تامین رازند شعوا خام وجود میاورد. صحنه دیگری برای سیاست سرمایه گذاری مشترک بین کار کشورهای سازمان شوروی برای گرد کردن و هم برای تبدیل به شیعیالی آنست. اکنون اتحاد شوروی از طریق اوله گاز (منطقه اورال شمالی) هر سال بیش از ۳ میلیارد متر مکعب گاز از شوروی به جمهوری مکرانیک آلمان تحویل میدهد و این مقدار چند برابر خواهد شد به شتر که در ۱۹۸۰ بمعدن حرارتی ۲۰ میلیون نغال قهوه ای خواهد رسید. برای آنکه این افزایش تامین شود جمهوری مکرانیک آلمان همرا با مجارستان و بلغارستان به چکسلواکی و لهستان در ساختن اوله گاز ۲۷۰ کیلومتری که از آن بزرگ تاسرحد اعتراف کرده کشید به شتر شرکت دارند. هر یک از این کشورها ساختن قطعه معینی را بعهده گرفتند است. همچنین در اوستا با یکدیگر رسبیری کبر پایه ن خاتون زوال ناپذیر و چویشک کارخانه سلولن بنا میسوزد کشورهای شوروی تعاون اقتصادی مشترک سرمایه گذاری عظیمی میکنند. در جنوب اورال مشترک با استخراج پنبه کوهی بقیه در صفحه ۳

روابط نیمه فئودالی در روستای ایران

در شماره ۱ ماهنامه "توقان" در مقاله ای تحت عنوان "باز هم در باره مسئله دهقانی" چنین آمد: ماست و آنجا که از نثریات سازمانهای سیاسی ایران بر میاید (۱۰۰) همه این سازمانها بر آنند که کلی رفم اصلاحات را در کونیه های ناشی از آن روابط تولید در روستای ایران همچنان نیمه فئودالی است. آیا در اینجا حقیقی بیان شده یا دهقانی بی اساسی پایه است؟ برای روشن شدن موضوع بهتر است نثریات سازمانهای سیاسی مراجعه کنیم.

۱- نشریه "باخترا" میز ۳۰۳ رگان سازمانهای جنبه ملی ایران در خاور میانه شماره ۱۳۴۹ در مقاله ای تحت عنوان "مالکیت زمین" چنین میسوزد: نظامی که قبل از این دوران بطور مطلق بر جامعه ایران حاکم بود بواسطه نیز در کار سرمایه داری وجود دارد نظام زمین داری یا ارباب - رعیتی است (۱۰۰).

شما که خود بزرگترین زمین دار ایران است ادعا دارد که اصلاحات ارضی اثر نظام ارباب رعیتی را بیکر از میان برداشته و اکنون دهقانان ایران صاحب زمین بود و رفا میزند کن میکنند. این دروغ محض است. اولاً اصلاحات ارضی تنها در قسمتی از روستاهای ایران انجام گرفته و هنوز روابط ارباب رعیتی بر بقیه روستاها حاکم است (تکیه از ما است - توقان)

همین واقعیت در سال بعد یعنی در ۱۳۵۱ در برنامه "جنبه ملی ایران" خارج از کشور (آمریکا) بارها و بارها بیان شده است. در ماه ۱۸ برنامه چنین میخوانیم: "واقعیت اربابان زمین بد دهقانان (۱۰۰) روشن است که "جنبه ملی" تا ۱۳۵۱ زمان تصویب برنامه خود - برنامه ای که هنوز هم اعتبار خود را با حفظ کرد - بر آن بود ماست که روابط ارباب رعیتی در روستای ایران باقی است و انقلاب مکرانیک ملی باید زمین را برای اربابان بد دهقانان واگذارد. (بطوریکه اشاره کنیم که در این ماده معلوم نیست که زمین مالکان را باید تصادره کرد یا از مالکان خرید و در از آن پول برداشت).

البته در شماره ۶۰ باخترا میز ۳۰۳ در ماه ۱۳۵۲ عوارضی است که این توجه را بر این انگیزد که "جنبه ملی" از موضع قبلی خود عدول کرده است ولی بنظر ما عبارت مزبور نافی موضع گیری قبلی "جنبه ملی" نیست.

۲- در جزوهای تحت عنوان "ارگان اتحاد مبارزه در راه ایجاد حزب طبقه کارگر" منتشر در رستان ۲۱۳۵۲ متعلق به گروهی دیگر که نام و نشانی ندارد با آنجا که صحبت از مرحله انقلاب است که میسوزد. در مرحله کوشی انقلاب با ایران نیز وظایف انقلاب را تصادف جامعه ما است. خلق و امراییم (۱۰۰) و فئودالیسم تعیین میاید. (تکیه از ما است - توقان) در اینجا از صحت و سقم تصادف عده میگذرد اما مسلم اینست که فئودالیسم بنام تصادف در جامعه ایران وجود دارد که انقلاب باید بحل آن بپردازد.

۳- تحقیقات روستائی "چهره های خدائی خلق" بوضوح حاکی از آنست که در ایران هنوز بقایای قابل توجهی از نثریات تولید نیمه فئودالی در روستای ایران برقرار است و ما در شماره ۳ بقیه در صفحه ۳

مرگ بر رژیم و شایسته و تجاوز کار شاه!